

400 روز پرتلاش برای سارکوزی

زمان ناگذیر و بی‌رحم می‌گذرد و هر روز چهره سارکوزی را تکیده‌تر، اعتبار وی را مخدوش‌تر، قدرت وی را ضعیف‌تر، ارزش سخنش را کمتر و ابتکار عملش را محدودتر می‌سازد.



جام جم آنلاین: زمان ناگذیر و بی‌رحم می‌گذرد و هر روز چهره سارکوزی را تکیده‌تر، اعتبار وی را مخدوش‌تر، قدرت وی را ضعیف‌تر، ارزش سخنش را کمتر و ابتکار عملش را محدودتر می‌سازد.

به گزارش ایسنا، روزنامه لوموند در تحلیلی درباره مشکلاتی که نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه در ماه‌های اخیر با آن دست به گریبان بوده، نوشته است: در اواسط ماه نوامبر گذشته پس از آنکه نیکلا سارکوزی بعد از ماه‌ها اهمال، اقدام به ترمیم کابینه‌اش کرد، می‌توانست امیدوار باشد که اکنون شرایط برای کاندیداتوری وی در انتخابات ریاست جمهوری سال 2012 مناسب‌تر باشد.

آخرین سال دوره پنج ساله ریاست جمهوری وی قرار بود صرف رعایت اصول کلاسیک و موثر برای جذب آرا در رقابت انتخابات شود: رئیس‌جمهوری که در حال رسیدگی به امور است، به مسائل ضروری بیش از پیش می‌پردازد، نقشه راه را تنظیم می‌کند و به عنوان رئیس گروه اقتصادی 20، خود را وقف مسائل اقتصادی جهان می‌کند؛ دولتی که دولتمداری می‌کند توسط نخست‌وزیری اداره می‌شود که به دولتمداری معروف است و از وزیرانی جان سخت تشکیل شده است؛ در نهایت نیز یک مسیر مشخص را دنبال می‌کند: پیشبرد اصلاحات به نام منفعت عمومی.

هنوز به هنگام این ترمیم کابینه 500 روز تا برگزاری نخستین دور انتخابات زمان باقی مانده بود زمانی که برای آغاز یک جهش تازه برای انتخابات کافی بود اما از آن زمان صد روز گذشته و یا به تعبیر بهتر تلف شده است. این مشکل در رابطه با کابینه نیز وجود دارد؛ کابینه جدید ماه نوامبر نتوانست بیشتر از سه ماه دوام بیاورد.

نیکلا سارکوزی به خود افتخار می‌کرد که بهترین مدیر منابع انسانی در صحنه سیاست در فرانسه است. اما مجبور شد که تغییر عقیده دهد و دو مهره اصلی کابینه را قربانی کند؛ یعنی وزیر امور خارجه و وزیر کشور، به عبارت دیگر نیکلا سارکوزی صدای فرانسه را در جهان خارج و حافظ امنیت در داخل، قربانی کرده است.

اما مگر چقدر این کار اهمیت دارد؟ درباره وزیر امور خارجه فرانسه، میشل آلیو-ماری کناره‌گیری اجتناب‌ناپذیر بود. آن هم بعد از رسوایی تعطیلات وی در تونس و تبنانی با رژیم ساقط شده بن‌علی، و بعد از خطاهای مکرر وی و همین‌طور تحولات سرنوشت‌ساز که در عرض دو ماه کل کرانه جنوب مدیترانه را زیر و رو کرد.

وزیر امور خارجه فرانسه چگونه نفهمید که همان قدر که وظیفه‌اش ایجاب می‌کند، آبرویش نیز ایجاب می‌کند قبل از آنکه مجبور به استعفایش کنند، داوطلبانه استعفا دهد؟ چطور در جریان استعفاي اجباری‌اش وی به خود اجازه داد که در استعفا نامه‌اش خود را قربانی دسیسه و توطئه قلمداد کند؟ چطور وی نتوانست تشخیص دهد که بی‌آبرویی که وی به بار آورده است مستقیماً اعتبار سارکوزی را نیز به عنوان رئیس‌جمهور زیر سوال برده است؟ صادقانه باید گفت که این واقعا جای سوال دارد.

اما در مورد وزیر کشور فرانسه یعنی بریس اورتفو که مدت‌ها صدای رئیس‌جمهور خود، سارکوزی بود و در این مدت طولانی از چشم پوشی شخص رئیس‌جمهور از خطاهایش بهره‌مند بود، مجازات تحقیرآمیزتر بود: او هیچ خطایی جز اینکه نتوانسته بود از دید کاخ الیزه وظیفه‌اش را به نحو احسن انجام دهد، مرتکب نشده بود. اما اکنون چیزی جز افسوس برای سارکوزی باقی نمانده است چرا که به وضوح اوست که اکنون آسیب اصلی را می‌بیند.

وی می‌خواست که همه چیز را تحت نظر داشته باشد، کارکردهایش و اختیاراتی که این کارکردها برای او فراهم می‌سازند را عملی سازد و با بهره‌گیری از مقام ریاستش در گروه اقتصادی 20 در صحنه سیاست بین‌الملل نیز خود را مطرح کند.

این راهی بود که سارکوزی می‌توانست با توسل به آن آرای عمومی را جلب کرده و تمایز خود را با رقبای انتخاباتی احتمالی‌اش در سال 2012 به رخ بکشد.

با وجود این، در هفته‌های اخیر این احساس تقویت شد که نیکلا سارکوزی دستخوش تلاطم حوادث گردیده و این وضعیت اضطراری وی را دچار مشکل و مجبور به چاره‌اندیشی دوباره کرده است. هرچند که تا همین دو روز پیش قادر به واکنش نبود.

وي در ظاهر خيلي مطمئن به نظر مي‌رسد اما در واقعيت بسيار نگران و مردد است.

در دو ماه گذشته ساركوزي راهكارهاي ارتباطي بعضا ناهماهنگي را مورد استفاده قرار داد: در ماه فوريه او يك سخنراني دو ساعت و نيمه را براي چند فرانسوي كه مشخص بود دقت زيادي در گزينش آنها صورت گرفته است انجام داد به گونه‌اي كه نتيجه آن سر و صداي زيادي به پا كند.

اما در 27 فوريه گذشته در نطق خود باز به رويه پيشين خود بازگشت به طوري كه هر كس از آن مي فهميد كه وي تصميم به كناره گيري وزير امور خارجه و وزير کشور گرفته است.

در مجموع عملکرد چند ماه گذشته ساركوزي به وضوح نشان مي‌دهد كه اهداف مورد نظر وي محقق نشده است و هفته به هفته اعتماد مردم فرانسه به وي كم‌رنگ‌تر مي‌شود و حتي ديگر اعتبار وي براي پيشبرد امور بين‌المللي کشور فرانسه نيز زير سوال رفته و دو سوم فرانسوي‌ها به وي اعتماد ندارند.

به نظر مي‌رسد سال آخر دوره پنج ساله رياست جمهوري ساركوزي براي وي بسيار طولاني باشد.

اما ساركوزي مي‌تواند با تصور اينكه تنها 400 روز ديگر را بايد تحمل كند تا مشكلاتش به پايان برسد، خود را تسلي دهد. "آقاي رئيس جمهور! دوام بياور! تا پايان راه چيزي باقي نمانده است."